

گزارش تاریخی

### چرا مصدق از فلسطینی‌ها حمایت کرد؟



در تاریخ ایران، اغلب حمایت‌ها از فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی، توسط جریان‌های اسلامی یا جریان چپ بوده است، اما مصدق با وجود اختلاف شدید با جریان‌های ذکر شده، در زمینه حمایت از مردم فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی، رویکردی شبیه‌آن‌ها اتخاذ کرد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، موضوع فلسطین از آغاز، همواره برای ایرانیان مسئله‌ای جدی و در خور توجه بوده است؛ مسئله‌ای که نه‌فقط با امنیت ملی‌ما، بلکه به‌تعبیر محمدرضاشا تاجیک در کتاب «فلسطین از نگاه ایرانی»، با امنیت هستنی شناختی ما تلازم داشته و دارد. رویکرد دکتر محمد مصدق، به عنوان یکی از رجال مشهور تاریخ معاصر ایران به مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی، چیزی جدای از این رویه نبود. مواجهه دکتر مصدق با مسئله فلسطین را در دو بخش می‌توان مورد توجه قرار داد: نخست مرآوده شخصی و در ادامه سیاسی وی با محمد امین الحسینی، مفتی فلسطینی و دوم، رویکرد سیاسی و بوروکراتیک وی در تعطیلی کنسولگری ایران در سرزمین‌های اشغالی و فسخ شناسایی دوفاکتوی رژیم صهیونیستی توسط ایران. باید توجه داشت که در تمام این موارد، حضور آیت‌... کاشانی در کنار مصدق و توجه عامه مردم به اندیشه‌ها و سخنان او، نقشی کلیدی و محوری داشت. بنابرین، آیت‌ا... کاشانی در اتخاذ تصمیم دکتر مصدق برای همسویی با ملت ایران در مسیر مخالفت با رژیم صهیونیستی، تأثیر جدی داشت. از سوی دیگر، توافق‌هایی بین دکتر مصدق و برخی از کشورهای عربی به‌وجود آمده بود که بر اساس آن،نخست‌وزیر ایران بر آن شد تا پاسخ‌شناسایی دوفاکتوی رژیم صهیونیستی، از حمایت‌های کشورهای عربی در قبال موضوع نفت برخوردار شود. این مسئله، در آن‌زمان، یکی از دغدغه‌های مهم جهان عرب بود.

اسناد تاریخی

### نامه رضاشاه برای روزولت توهمی که واقعی نشد!

هنگامی که متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و اردیابان شدند و مانند سوزن روی بادکنک آمال و آرزوهای پهلوی اول فروود آمدند، رضاشاه هنوز گمان می‌کرد که می‌تواند با تکیه بر بیگانگان، بقای سلطنت خود را تضمین کند؛ غافل از این که فقدان مشروعیت عوامی در داخل و تمایل نداشتن به بقای او در خارج، راه‌راه‌رای ابرایش باقی نگذاشته است. آن‌چه در ادامه خواهید خواند، متن نامه رضاشاه برای فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و استدعا از او برای کمک به بقای رژیم پهلوی در برابر حمله دو دولت متفق دیگر، یعنی شوروی و انگلیس است. جالب این‌جاست که رضاشاه آن قدر در جریان مسائل سیاسی و وقایع بین‌المللی قرار نداشت که بداند، آمریکا، به عنوان متحد انگلیس و شوروی، بخشی از همان نیرویی محسوب می‌شود که در حال اشغال ایران است. آيا شاه واقعا از این موضوع، بی‌اطلاع بود؟ نگاهی به نامه وی، چنین برداشتی را القا می‌کند. این سند تاریخی را مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی منتشر کرده است. در ادامه، متن نامه رضاشاه به روزولت را مطالعه می‌کنید: «سوم شهریور ۱۳۲۰ -حضرت فرانکلین د. روزولت/ رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا- واشنگتن/ البته از حوادث اخیر ایران که قوای انگلیس و روس بدون اخطار قبلی غفلتا از مرزهای این کشور عبور و به تصرف نقاط و بمباران عده‌یادی از شهرهای باز و بی‌دفاع ایران مبادرت ورزیده‌اند، خاطر آن حضرت آگاه گردیده است. عنوان سابق روس و انگلیس، نگرانی از وجود عده‌ای آلمانی در ایران بود که اطمینان داده شد به زودی از این کشور می‌روند. در این صورت، هیچ‌جای نگرانی برای آن‌ها باقی نمانده و نه هیچ‌وجه بر من معلوم نیست به چه علت به این اقدام تجاوز کارانه متشبث شده و بدون ملاحظه شهرهای ما را بمباران می‌کنند. در این موقع لازم می‌دانم به استناد اعلامیه آن حضرت مبنی بر مساعدت و تقویت اصول عدالت بین‌المللی و حفظ حقوق آزادی ملل، از شما تقاضا نمایم که به این قضیه که برای ایران پیش آمده و یک کشوری به طرف صلح‌جوار، که هیچ منظوری جز حفظ آسایش و اصلاح امور داخلی خود ندارد، دچار مصائب جنگ می‌سازد، متوجه نموده، با اقدامات مؤثر و تهوررانه خود در رفع این تجاوزات مساعدی لازم مبذول فرمایند. با امتنان از توجهات خیرخواهانه آن حضرت احساسات صمیمانه خود را تقدیم می‌نمایم.

## تاریخ

#### واهمه سفرای انگلیس و روسیه تزاری از سازمان اطلاعاتی امیر کبیر

## عملیات اجنه در باغ زرگنده!

**جواد نوائیان رودسری** –سفری با کلا فگی، چند بار سرش را خا راند! اصلاً امکان نداشت! مگر می‌شد درهای اتاق محل کارش را ببندد، اطراف ساختمان سفارت در باغ زرگنده را پیش از آغاز جلسه کنترل کند و چند ساعت بعد، وقتی به دیدار صدراعظم می‌رود، همه حرف‌هایی را که دیشب بر زبان رانده است، از زبان میرزا اتقی‌خان بشنود؟ چند بار زیر لب غُرید: انگار عوام راست می‌گویند که صدراعظم با اجنه در ارتباط است!
سفری روسیه تزاری که کشورش، پس از دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای، خود را مالک و صاحب ایران می‌دانست، هاج و واج مانده بود و اصلاً نمی‌فهمید که باید چه کند؟ از زمانی که امیر کبیر، صدراعظم شده بود، یعنی درست از روزی که ناصرالدین شاه ۱۶ ساله را تبریز به تهران آورده و بر تخت نشانده بودند، کابوسی مانند خوره به جان سفارتخانه‌های اروپایی افتاده بود؛ به خصوص سفارت انگلیس و روسیه تزاری. امیر باتمام صدراعظم‌های قبلی فرق داشت. قیافه خونسردش، اصلاً نشانه بی‌خیالی و ناآگاهی نبود؛ او علاوه بر دانشی که داشت، دیپلماتی کارگشته به حساب می‌آمد که به روسیه و عثمانی سفر کرده و طی چند سال مذاکره برای انعقاد معاهده مرزی ارزنة‌الروم با عثمانی، تجارب ذی‌قیمتی اندوخته بود و حالا که به عنوان صدراعظم و البته، شوهر خواهر شاه، همه کاره مملکت محسوب می‌شد، داشت با پنبه سر می‌پرید و اعصاب سفرای متکبر روس و انگلیس را خرد می‌کرد. اما ماجرای اطلاع امیر کبیر از وقایع درون سفارتخانه‌ها، از کجآب می‌خورد؟

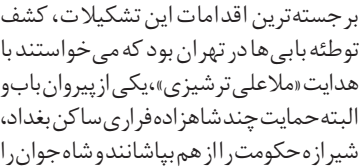
■ **سازمان مأموران مخفی امیر کبیر**

امیر کبیر، پس از به دست گرفتن اداره امور ایران، کوشید تا در ساختار اداری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی کشور، تغییرات و اصلاحات اساسی ایجاد کند. او به خوبی بر این اصل واقف بود که برای اداره کشور، پیش از هر چیز، به اشراف اطلاعاتی نیاز است تا بتوان اقدامات لازم را برای انتظام امور، در کمترین زمان و با بهترین کیفیت ممکن، انجام داد. بر همین اساس، او تخر به سال‌های وزارت در تبریز را به کار گرفت و آن را با مشاهداتش در سن‌پترزبورگ و ارزنة‌الروم در آمیخت و بنیان سازمانی منسجم و مخفی را برای کسب اخبار و فعالیت‌های اطلاعاتی گذاشت. به نوشته اسماعیل راثین، تشکیلات اطلاعاتی امیر کبیر که با عنوان شبکه «منهیان امیر» شناخته می‌شد، در ایالات چنان رعبی ایجاد کرده بود که هیچ‌کس جرئت نداشت دست از پا خطا کند. والیان همواره خود را معرض دید خفیه‌نویسان امیر کبیر می‌دیدند. یکی از



عمارت زرگنده محل عمل سابق سفارت روسیه تزاری

امیر با تمام صدراعظم‌های قبلی فرق داشت. قیافه خونسردش، اصلاً نشانه بی‌خیالی و ناآگاهی نبود؛ او علاوه بر دانشی که داشت، دیپلماتی کارگشته به حساب می‌آمد که تجارب ذی‌قیمتی اندوخته بود و حالا به عنوان صدراعظم، داشت با پنبه سر می‌پرید و اعصاب سفرای متکبر روس و انگلیس را خرد می‌کرد



برجسته‌ترین اقدامات این تشکیلات، کشف توطئه بابی‌ها در تهران بود که می‌خواستند با هدایت «ملاعلی‌ترشیزی»، یکی از پیروان بابو البته حمایت چندشاهزاده‌فراری ساکن بغداد، شیرازه حکومت را از هم‌پیاشاندو شاه‌جوان را از اریکه قدرت فروکشند. اعتضادالسلطنه که در آن زمان مسئولیت وزارت داخله را داشت و باید امنیت را تأمین می‌کرد، کوچک‌ترین اطلاعی از این اقدام نداشت؛ اما امیر، به‌وسیله مأموران مخفی‌اش، هم توطئه را کشف کرد و هم محل اختفای ملاعلی‌ترشیزی را یافت و به وزیر اطلاع داد. دقیقاً نظیر همین جریان، در مورد سفارتخانه‌های خارجی، به خصوص سفارت روسیه تزاری و انگلیس، برقرار بود. امیر معتقد بود که آتش برخی از مشکلات عدیده کشور، از گور سفرای روس و انگلیس بلند می‌شود و کسب اطلاع از اقدامات و نقشه‌های آن‌ها، واجب‌تر از نان شب است. بر همین اساس، از هر فرصتی برای اجیر کردن

#### بریتانیا با تریاک چه بر سر چین آورد؟

## آتش افیون انگلیسی در خرمن اژدهای زرد



و بسته‌بندی، به بندر «کانتون» در چین می‌فرستادند.

■ **ابیدمی اعتیاد در چین**

تریاک خیلی سریع در سراسر چین، همه‌گیر شد. میلیون‌ها چینی به دام افیون افتادند و از آن‌جا که تریاک فقط توسط تاجران انگلیسی به چین وارد می‌شد، بُرد اصلی در سوداگری مرگ با عوامل تجاری استعمارپریر بود. آن‌ها که نگران ذخایر نقره خودشان به خاطر خرید چای و ادویه بودند، حالا می‌توانستند روی اقبال عمومی چینی‌ها به تریاک حساب کنند. دولت چین خیلی دیر متوجه این سیاست مزورانه و غیرانسانی شد و تصمیم گرفت تجارت تریاک را در این کشور ممنوع کند؛

که «من فرستاده سفیر روسیه‌ام» و مأموران را به باد ناسزا گرفت. امیر که با شنیدن صدای پیرمرد بیرون آمده بود، دستور داد به او سیلی بزنند و در اتاق مجاور باغ حبسش کنند. پس از پایان یافتن کارهای روزمره، امیر که برای هواخوری از مقابل اتاق محل زندانی شدن پیرمرد می‌گذشت، او را دید. کارمند سفارت برخاست و تعظیم کرد. امیر به او گفت: از قیافهات پیداست که ایرانی و مسلمانی؛ خجالت نمی‌کشی نوکری اجنبی‌را می‌کنی؟ پیرمرد شرح حال خود را گفت که شغلی جز این ندارد و برای معاشش، به آن محتاج است. امیر لختی اندیشید و سپس گفت: چقدر از سفارت موجب می‌گیری؟ پیرمرد گفت: ماهی دو تومان! امیر گفت: من ماهانه پنج تومان به تو می‌دهم، اما به شرطی که برای مملکت خودت کار کنی. پیرمرد پذیرفت و امیر به او گفت: کجا سکونت داری؟ پاسخ داد: در بازار تهران!

امیر دوباره پرسید: فلان حاجی شالغروش بازاری‌را می‌شناسی؟ پیرمرد گفت: بله، اتفاقاً همسایه ماست! امیر لیخندی زد و ادامه داد: از امروز اخبار سفارت را به همان حاجی بده و حقوقت را هم از او بگیر، نیازی نیست این‌جا بیایی؛ حقوق سفارت هم نوش جان! پیرمرد رفت و از آن روز به بعد، اخبار سفارت، هر روز صبح، کف دست امیر کبیر بود. بد نیست این شرايط را با شرايط چند سال قبل از صدارت میرزا تقی‌خان مقایسه کنیم؛ هنگامی که حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم خرافاتی محمدشاه، در نامه‌ای به وی نوشت: «کمترین بنده خواسته تا عباس‌آباد بروم اما به واسطه این که جناب وزیرمختار انگلیس تشریف خواهند آورد، نتوانستم بروم. نه بنده می‌میرم و نه آن‌ها دست می‌کشند... حالا جناب وزیر مختار دولت انگلیس، منتظر این است که یکی از نوکرهای متشخص در خانه شال و کلاه

برده، برود عذر بخواهد که چرا دیر مُلک ایران را تصرف کرده‌اند![]» هم‌او، در نامه دیگری به محمدشاه درباره نحوه تعامل سفرای روسیه تزاری با خودش می‌نویسد: «در ۹ سال، نهصد هزار تومان پول مراد دولت روسیه برده، علاوه بر املاک ایروان را ضمیم کرده، علاوه‌هر وزیرمختار صد هزار نامر بوط که به تون‌بابی نمی‌توان گفت، به من نوشته و گفته‌اند![]»

منابع:

حقوق بگیران انگلیس در ایران؛ اسماعیل راثین؛ انتشارات جاویدان؛ ۱۳۷۲
امیر کبیر و ایران؛ فریدون آدمیت؛ انتشارات خوارزمی؛ ۱۳۶۲
فتنه باب؛ علیقلی‌خان اعتضادالسلطنه؛ با مقدمه: دکتر عبدالحسین نوائی؛ انتشارات پایک؛ ۱۳۶۳

■ **آغاز جنگ تریاک**

اما نیروی دریایی بریتانیا، با همکاری آمریکا و فرانسه، بنادر چینی‌ها را به توپ‌بست و جنگی گسترده راه‌راه انداخت که در تاریخ به عنوان جنگ اول تریاک شناخته می‌شود. این جنگ دو سال طول کشید و در نهایت، با شکست چین و تن در دادن دولت این کشور به وارد کردن تریاک و اعراضه آن به چینی‌ها، به پایان رسید. با این حال، تجارت تریاک در برخی نقاط چین، همچنان ممنوع بود و بازرگانان غربی برای حمل افیون به برخی ایالت‌های این کشور، با مشکل روبه‌رو بودند؛ آن‌ها برای رفع این محدودیت، در سال ۱۸۵۶، جنگی تمام عیار در قسمت‌های جنوبی چین به راه انداختند؛ جنگی مهیب که چهار سال طول کشید و در پایان، امپراتوری کهن سال این کشور را در هم کوبید؛ پس از این جنگ بود که تجارت تریاک در چین قانونی شد و این کشور تا نیمه‌نخست‌قرن بیستم، در مسیر اضمحلال قرار گرفت و حتی بخش‌هایی از آن به تصرف ژاپنی‌ها درآمد.

که به صورت روزانه در چین توزیع می‌شد. انگلیسی‌ها با این روش، بدون آن‌که یک‌سکه تهره ببرند، از، کشتی‌های خود را پر از چای و ادویه می‌کردند و تجارت سودآورشان را گسترش می‌دادند. در سال ۱۸۴۰، چینی‌ها واردات تریاک را ممنوع اعلام کردند، اما قاچاق افیون همچنان ادامه یافت. در این سال، «لین‌زی‌شو»، مباشر سلطنتی، مأمور انهدام انبارهای تریاک کانتون شد و این کار را با جسارت فراوان انجام داد؛ آن‌گونه که امروزه او را به‌عنوان یکی از قهرمانان ملی چین معرفی می‌کنند.

بازبزرگان تاریخ

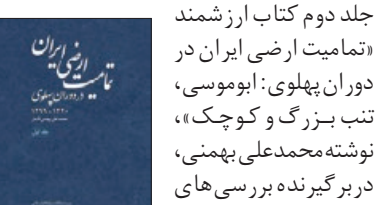
### شاپور رییپورت مرد مرموز در بار پهلوی



**اسماعیلی** – یکی از مرموزترین و در عین حال، معروف‌ترین عوامل فعال انگلیس، در ایران دوره پهلوی دوم، «شاپور جی» بود. «شاپور» در پای او را می‌توان در بسیاری از دخالت‌های دولت بریتانیا در امور داخلی ایران، از جمله در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مشاهده کرد. «شاپور جی» که به «شاپور ریپورت» نیز معروف است، از خانواده‌ای متمول و متعلق به پارسیان هند بود که ظاهراً کیش زرتشتی داشت. «حسین فردوست»، دوست و ندیم محمدرضا پهلوی و رئیس دفتر ویژه اطلاعات او، در خاطراتش می‌نویسد: «پدر شاپور (اردشیر جی) از بنیان‌گذاران فراماسونری در ایران و همان کسی بود که رضاخان را پیدا کرد و برای کودتا به انگلیسی‌ها پیشنهاد نمود. «شاپور» در محافل و جلسات مختلف، با کسوت خبرنگار، استاد زبان انگلیسی و وابسته تجاری ظاهر می‌شد و مسئولیت پیچیده‌ترین عملیات‌های انگلیس را در ایران، بر عهده داشت. او به دلیل خدمات فراوانش به دولت انگلیس، لقب «سر» را از ملکه این کشور دریافت کرد. «فردوست» درباره‌ی وی می‌افزاید: «شاپور جی بدون تردید برجسته‌ترین و مهم‌ترین مقام اطلاعاتی انگلیس در رابطه با ایران بود. او هیچ‌گاه سمت و شغل خود را در دستگاه انگلیسی‌ها نگفت و بیشتر از ایرانی بودن خود صحبت می‌کرد. ولی‌روست است که اهمیت و مقام شاپور جی، به خاطر پست و سمت نبود بلکه به خاطر خصوصیات خود وی بود. من در طول حیات خود کسی را ندیده‌ام که مانند شاپور جی، نزد انگلیسی‌ها محترم و معتبر باشد. «طبق نوشته «فردوست»، «شاپور ریپورت» با شبکه‌ای گسترده از طرفداران انگلیس در دربار پهلوی ارتباط داشت که مهم‌ترین آن‌ها، «اسد... علم» بود. «شاپور» از این طریق، بر سیاست‌گذاری‌های رژیم پهلوی تأثیر می‌گذاشت و ضمن همکاری با سفارت آمریکا، می‌کوشید تا خواسته‌های بریتانیایی‌ها در ایران، محقق شود. با این حال، اطلاعات دقیقی درباره «شاپور» و اقدامات وی در دست نیست، او پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از ایران گریخت، اما ضمن بازرسی از منزل شخصی وی در تهران، مدارکی به دست آمد که گوشه‌هایی از نقش وی را در برخی وقایع تاریخ معاصر ایران، مانند کودتای ۲۸ مرداد و فروش گسترده تسلیحات نه‌چندان کاربردی انگلیسی به شاه‌بازگومی‌کرد. این مدارک توسط «عبدا... شهبازی» با تگویی کارشناسانه به‌ماجرای جدایی سقوط سلطنت پهلوی، منتشر شد.

مکتوبات تاریخی

### بررسی تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی



جلد دوم کتاب ارزشمند «تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی: ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک»، نوشته محمدعلی بهمنی، دربرگیرنده بررسی‌های دقیق درباره مسئله جدایی بحرین در دوره پهلوی، به بهانه واگذاری جزایر سه‌گانه خلیج فارس به ایران است. نویسنده در این کتاب، به تفصیل درباره حق قانونی ایران بر این سه جزیره و همچنین، بحرین سخن می‌گوید و سپس، با تگویی کارشناسانه به‌ماجرای جدایی بحرین، رویکردهای رژیم پهلوی را در قبال مسئله راهبردی تمامیت ارضی، بررسی می‌کند. نویسنده، افزون بر این، با استفاده از اسناد متون تاریخی کهن، به اثبات حق حاکمیت دیرینه ایران بر این جزایر پرداخته و به برخی از ادعاهای گراف کشورهای کوچک حاشیه‌خلیج فارس، پاسخ‌های درخور و مستند داده است. از مهم‌ترین جلوه‌های این اثر، ارائه اسنادی نویافته است که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد. این کتاب که جلد دوم از مجموعه «تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی» است، توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در ۴۴۸ صفحه به‌زیروبطبع آراسته شده است.

